

دلیل بزرگداشت اربعین و واکاوی پرسش‌هایی درباره این روز

رسول جعفریان

اعتبار اربعین امام حسین علیه السلام از قدیم الایام میان شیعیان و در تقویم تاریخی وفاداران به امام حسین علیه السلام شناخته شده بوده است. کتاب مصباح المتهدجد شیخ طوسی که حاصل گزینش دقیق و انتخاب معقول شیخ طوسی از روایات فراوان درباره تقویم مورد نظر شیعه در باره ایام سوگ و شادی و دعا و روزه و عبادت است، ذیل ماه «صفر» می‌نویسد: نخستین روز این ماه (از سال ۱۲۱)، روز کشته شدن زید بن علی بن الحسین است.

روز سوم این ماه از سال ۶۴ روزی است که مسلم بن عقبه پرده کعبه را آتش زد و به دیوارهای آن سنگ‌پرتاب نمود در حالی که به نمایندگی از یزید با عبدالله بن زبیر در نبرد بود.

روز ۲۰ صفر - یعنی اربعین - زمانی است که حرم امام حسین علیه السلام یعنی کاروان اسرا، از شام به مدینه مراجعت کردند. و روزی است که جابر بن عبدالله بن حرام انصاری، صحابی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، از مدینه به کربلا رسید تا به زیارت قبر امام حسین علیه السلام بشتابد و او نخستین کسی است از مردمان که قبر آن حضرت را زیارت کرد.

اعمال روز اربعین امام حسین علیه السلام

در این روز زیارت امام حسین علیه السلام مستحب است و این زیارت، همانا خواندن زیارت اربعین است که از امام عسکری علیه السلام روایت شده که فرمود: علامات مؤمن پنج تا است: خواندن ۵۱ رکعت نماز در شبانه‌روز - نمازهای واجب و نافله و نماز و شب -

به دست کردن انگشتی در دست راست، برآمدن پیشانی از سجده، و بلند خواندن «بسم الله الرحمن الرحيم» در نماز. شیخ طوسی سپس متن زیارت اربعین را با سند به نقل از حضرت صادق علیه السلام آورده است:

السلام علی ولی الله و حبیبه، السلام علی خلیل الله و نجیبه، السلام علی صفی الله و ابن صفیه...

این مطلبی است که شیخ طوسی، عالم فرهیخته و معتبر و معقول شیعه در قرن پنجم درباره اربعین آورده است. طبعاً بر اساس اعتباری که این روز میان شیعیان داشته است، از همان آغاز که تاریخش معلوم نیست، شیعیان به حرمت آن، زیارت اربعین می‌خوانده‌اند و اگر می‌توانسته‌اند مانند جابر بر مزار امام حسین علیه السلام گرد آمده و آن امام را زیارت می‌کردند. این سنت تا به امروز در عراق با قوت برپاست و شاهدیم که میلیون‌ها شیعه عراقی و غیر عراقی در این روز بر مزار امام حسین علیه السلام جمع می‌شوند. در اینجا و در ارتباط با اربعین چند نکته را باید توضیح داد.

۱. عدد چهل

نخستین مسأله‌ای که در ارتباط با «اربعین» جلب توجه می‌کند، تعبیر اربعین در متون دینی است. ابتدا باید نکته‌ای را به عنوان مقدمه یادآور شویم: اصولاً باید توجه داشت که در نگرش صحیح دینی، اعداد نقش خاصی به لحاظ عدد بودن، در القای معنا و منظوری خاص ندارند؛ به این صورت که کسی نمی‌تواند به صرف این که در فلان مورد یا موارد، عدد هفت یا دوازده یا چهل یا هفتاد به کار رفته، استنباط و استنتاج خاصی داشته باشد. این یادآوری، از آن روست که برخی از فرقه‌های مذهبی، بویژه آنها که تمایلات «باطنی‌گری» داشته یا دارند و گاه و بی‌گاه خود را به شیعه نیز منسوب می‌کرده‌اند، و نیز برخی از شبه فیلسوفان متأثر از اندیشه‌های انحرافی و باطنی و اسماعیلی، مروج چنین اندیشه‌ای درباره اعداد یا نوع حروف بوده و هستند.

در واقع، بسیاری از اعدادی که در نقل‌های دینی آمده، می‌تواند بر اساس یک محاسبه الهی باشد، اما این که این عدد در موارد دیگری هم کاربرد دارد و بدون یک مستند دینی می‌توان از آن در سایر موارد استفاده کرد، قابل قبول نیست. به‌عنوان نمونه، در

ده‌ها مورد در کتاب‌های دعا، عدد صد بکار رفته که فلان ذکر را صد مرتبه بگویید، اما این دلیل بر تقدس عدد صد به عنوان صد نمی‌شود. همین‌طور سایر عددها. البته ناخواسته برای مردم عادی، برخی از این اعداد طی روزگاران، صورت تقدس به خود گرفته و گاه سوء استفاده‌هایی هم از آن‌ها می‌شود.

تنها چیزی که درباره برخی از این اعداد می‌شود گفت آن است که آن اعداد معین نشانه کثرت است. به عنوان مثال، درباره هفت چنین اظهار نظری شده است. بیش از این هر چه گفته شود، نمی‌توان به عنوان یک استدلال به آن نظر کرد.

مرحوم اربلی، از علمای بزرگ امامیه، در کتاب کشف الغمه فی معرفه الائمه در برابر کسانی که به تقدس عدد دوازده و بروج دوازده گانه برای اثبات امامت ائمه اطهار علیهم‌السلام استناد کرده‌اند، اظهار می‌دارد، این مسأله نمی‌تواند چیزی را ثابت کند؛ چرا که اگر چنین باشد، اسماعیلیان یا هفت امامی‌ها، می‌توانند ده‌ها شاهد - مثل هفت آسمان - ارائه دهند که عدد هفت مقدس است، کما این که این کار را کرده‌اند.

عدد «اربعین» در متون دینی

یکی از تعبیرهای رایج عددی، تعبیر اربعین است که در بسیاری از موارد به کار رفته است. یک نمونه آن که سن رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در زمان مبعوث شدن، چهل بوده است. گفته شده که عدد چهل در سن انسان‌ها، نشانه بلوغ و رشد فکری است. گفتنی است که برخی از انبیاء در سنین کودکی به نبوت رسیده‌اند. از ابن عباس (گویا به نقل از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقل شده که اگر کسی چهل ساله شد و خیرش بر شرش غلبه نکرد، آماده رفتن به جهنم باشد. در نقلی آمده است که، مردمان طالب دنیاوند تا چهل سالشان شود. پس از آن در پی آخرت خواهند رفت.^۱

در قرآن آمده است «میقات» موسی با پروردگارش در طی چهل روز حاصل شده است. در نقل است که، حضرت آدم چهل شبانه روز بر روی کوه صفا در حال سجده بود.^۲ در باره بنی اسرائیل هم آمده که برای استجابت دعای خود چهل شبانه روز ناله و ضجه می‌کردند.^۳ در نقلی آمده است که اگر کسی چهل روز خالص برای خدا باشد،

۱. مجموعه ورام، ص ۳۵.

۲. مستدرک وسائل ج ۹، ص ۳۲۹.

۳. مستدرک ج ۵، ص ۲۳۹.

خداوند او را در دنیا زاهد کرده و راه و چاه زندگی را به او می‌آموزد و حکمت را در قلب و زبانش جاری می‌کند. بدین مضمون روایات فراوانی وجود دارد. چله‌نشینی صوفیان هم درست یا غلط، از همین بابت بوده است. علامه مجلسی در کتاب بحارالانوار در این باره که برگرفتن چهل نشینی از حدیث مزبور نادرست است، به تفصیل سخن گفته است.

اعتبار حفظ چهل حدیث که در روایات فراوان دیگر آمده، سبب تألیف صدها اثر با عنوان اربعین در انتخاب چهل حدیث و شرح و بسط آنها شده است. در این نقل‌ها آمده است که اگر کسی از امت من، چهل حدیث حفظ کند که در امر دینش از آنها بهره برد، خداوند در روز قیامت او را فقیه و عالم محشور خواهد کرد. در نقل دیگری آمده است که امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند: اگر چهل مرد با من بیعت می‌کردند، در برابر دشمنانم می‌ایستادم.^۱

مرحوم کفعمی نوشته است: زمین از یک قطب، چهار نفر از اوتاد و چهل نفر از ابدال و هفتاد نفر نجیب، هیچگاه خالی نمی‌شود.^۲

درباره نطفه هم تصور براین بوده که بعد از چهل روز علقه می‌شود. همین عدد در تحولات بعدی علقه به مُضْغَه تا تولد درنقل‌های کهن بکار رفته است، گویی که عدد چهل مبدأ یک تحول دانسته شده است.

در روایت است که کسی که شرابخواری کند، نمازش تا چهل روز قبول نمی‌شود. و نیز در روایت است که کسی که چهل روز گوشت نخورد، خلقتش تند می‌شود. نیز در روایت است که کسی که چهل روز طعام حلال بخورد، خداوند قبلش را نورانی می‌کند. نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

کسی که لقمه حرامی بخورد، تا چهل روز دعایش مستجاب نمی‌شود.^۳

اینها نمونه‌ای از نقل‌هایی بود که عدد اربعین در آنها به کار رفته است.

۲. اربعین امام حسین علیه السلام

باید دید در کهن‌ترین متون مذهبی ما، از «اربعین» چگونه یاد شده است. به عبارت دیگر دلیل برزگداشت اربعین چیست؟ چنان که در آغاز گذشت، مهم‌ترین نکته درباره

۱. الاحتجاج، ص ۸۴.

۲. بحار، ج ۵۳، ص ۲۰۰.

۳. مستدرک وسائل، ج ۵، ص ۲۱۷.

اربعین، روایت امام عسکری علیه السلام است. حضرت در روایتی که در منابع مختلف از ایشان نقل شده فرموده‌اند: نشانه‌های مؤمن پنج چیز است: ۱. خواندن پنجاه و یک رکعت نماز (۱۷ رکعت نماز واجب + ۱۱ نماز شب + ۲۳ نوافل) ۲. زیارت اربعین ۳. انگشتی در دست راست ۴. وجود آثار سجده بر پیشانی ۵. بلند خواندن بسم الله در نماز. این حدیث تنها مدرک معتبری است که جدای از خود زیارت اربعین که در منابع دعایی آمده، به اربعین امام حسین علیه السلام و بزرگداشت آن روز تصریح کرده است. اما این که منشأ اربعین چیست، باید گفت، در منابع به این روز به دو اعتبار نگریسته شده است.

نخست روزی که اسرای کربلا از شام به مدینه مراجعت کردند. دوم روزی که جابر بن عبدالله انصاری، صحابی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از مدینه به کربلا وارد شد تا قبر حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام را زیارت کند. شیخ مفید (م ۴۱۳) در «مسار الشیعه» که در ایام موالید و وفیات ائمه اطهار علیهم السلام است، اشاره به روز اربعین کرده و نوشته است:

این روزی است که حرم امام حسین علیه السلام، از شام به سوی مدینه مراجعت کردند. نیز روزی است که جابر بن عبدالله برای زیارت امام حسین علیه السلام وارد کربلا شد.

کهن‌ترین کتاب دعایی مفصل موجود، کتاب «مصباح المتهجد» شیخ طوسی از شاگردان شیخ مفید است که ایشان هم همین مطلب را آورده است. شیخ طوسی پس از یاد از این که روز نخست ماه صفر روز شهادت زید بن علی بن الحسین علیه السلام و روز سوم ماه صفر، روز آتش زدن کعبه توسط سپاه شام در سال هجری است، می‌نویسد:

بیستم ماه صفر (چهل روز پس از حادثه کربلا) روزی است که حرم سید ما اباعبدالله الحسین از شام به مدینه مراجعت کرد و نیز روزی است که جابر بن عبدالله انصاری، صحابی رسول خدا صلی الله علیه و آله از مدینه وارد کربلا شد تا قبر حضرت را زیارت کند. او نخستین کس از مردمان بود که امام حسین علیه السلام را زیارت کرد. در چنین روزی زیارت آن حضرت مستحب است و آن زیارت اربعین است.^۱

در همانجا آمده است که وقت خواندن زیارت اربعین، هنگامی است که روز بالا آمده است.

۱. مصباح المتهجد، ص ۷۸۷.

در کتاب «نزهة الزاهد» هم که در قرن ششم هجری تألیف شده، آمده:
در بیستم این ماه بود که حرم محترم حسین از شام به مدینه آمدند.^۱

همین طور در ترجمه فارسی فتوح ابن اعثم^۲ و کتاب مصباح کفعمی که از متون دعایی بسیار مهم قرن نهم هجری است این مطلب آمده است. برخی استظهار کرده‌اند که عبارت شیخ مفید و شیخ طوسی، بر آن است که روز اربعین، روزی است که اسرا از شام به مقصد مدینه خارج شدند نه آن که در آن روز به مدینه رسیدند.^۳ به هر روی، زیارت اربعین از زیارت‌های مورد وثوق امام حسین علیه السلام است که از لحاظ معنا و مفهوم قابل توجه است.

۳. بازگشت اسیران به مدینه یا کربلا

اشاره کردیم که شیخ طوسی، بیستم صفر یا اربعین را، زمان بازگشت اسرای کربلا از شام به مدینه دانسته است. باید افزود که نقلی دیگر، اربعین را بازگشت اسرا از شام را به «کربلا» تعیین کرده است. تا اینجا، از لحاظ منابع کهن، باید گفت اعتبار سخن نخست بیش از سخن دوم است. با این حال، علامه مجلسی پس از نقل هر دو این‌ها، اظهار می‌دارد: احتمال صحت هر دوی اینها (به لحاظ زمانی) بعید می‌نماید.^۴ ایشان این تردید را در کتاب دعایی خود «زاد المعاد» هم عنوان کرده است. با این حال، در متون بالنسبه قدیمی، مانند «لهوف» و «مثیر الاحزان» آمده است که اربعین، مربوط به زمان بازگشت اسرا، از شام به کربلاست. اسیران، از راهنمایان خواستند تا آنها را از کربلا عبور دهند.

باید توجه داشت که این دو کتاب، در عین حال که مطالب مفیدی دارند، از جهاتی، اخبار ضعیف و داستانی هم دارند که برای شناخت آنها باید با متون کهن تر مقایسه شده و اخبار آنها ارزیابی شود. این نکته را هم باید افزود که منابعی که پس از لهوف، به نقل از آن کتاب این خبر را نقل کرده‌اند، نباید به‌عنوان یک منبع مستند و مستقل، یاد شوند.

۱. نزهة الزاهد، ص ۲۴۱.

۲. الفتوح ابن اعثم، تصحیح مجد طباطبائی.

۳. لؤلؤ و مرجان، ص ۱۵۴.

۴. بحار ج ۱۰۱، ص ۳۳۴ - ۳۳۵.

کتاب‌هایی مانند «حبیب السیر» که به نقل از آن منابع خبر بازگشت اسرا را به کربلا آورده‌اند،^۱ نمی‌توانند مورد استناد قرار گیرند.

در اینجا مناسب است دو نقل را در باره تاریخ ورود اسرا به دمشق یاد کنیم. نخست نقل ابوریحان بیرونی است که نوشته است:

در نخستین روز ماه صفر، أدخل رأس الحسین عليه السلام مدینه دمشق، فوضعه یزید لعنه الله بین یدیه و نقر ثنایاه بقضیب کان فی یده و هو یقول:

لست من خندف ان لم أنتقم	من بنی أحمد، ما کان فَعَل
لیتَ أشیاخی بیدر شهدوا	جَزَع الخزرج من وقع الاسل
فأهلوا و استهلوا فرحا	ثم قالوا: یا یزید لاتشل
قد قتلنا القرن من أشیاخهم	و عدلناه بیدر، فاعتدل ^۲

وی روز اول ماه صفر را روزی می‌داند که سر امام حسین عليه السلام را وارد دمشق کرده و یزید هم در حالی که اشعار ابن زبیری را می‌خواند و بیتی هم بر آن افزوده بود، با چوبی که در دست داشت بر لبان امام حسین عليه السلام می‌زد.

دوم سخن عماد الدین طبری (م حوالی ۷۰۰) در «کامل بهائی» است که رسیدن اسرا به دمشق را در ۱۶ ربیع الاول دانسته - یعنی ۶۶ روز پس از عاشورا - می‌داند که طبیعی‌تر می‌نماید.

۴. میرزا حسین نوری و اربعین

علامه میرزا حسین نوری از علمای برجسته شیعه، و صاحب کتاب «مستدرک الوسائل» در کتاب «لؤلؤ و مرجان در آداب اهل منبر» به نقد و ارزیابی برخی از روضه‌ها و نقل‌هایی پرداخته که به مرور در جامعه شیعه رواج یافته و به نظر وی از اساس، نادرست بوده است. ظاهراً وی در دوره اخیر نخستین کسی است که به نقد این روایت پرداخته و دلایل متعددی در نادرستی آن اقامه کرده است.

ایشان این عبارت سید بن طاوس در لهوف را نقل کرده است که اسرا در بازگشت از شام، از راهنمای خود خواستند تا آنها را به کربلا ببرد؛ و سپس به نقد آن پرداخته است.^۱

۱. نفس المهموم ترجمه شعرانی، ص ۲۶۹.

۲. الآثار الباقیه، ص ۴۲۲.

داستان از این قرار است که سید بن طاوس در «لهوف» خبر بازگشت اسراء را به کربلا در اربعین نقل کرده است. در آنجا منبع این خبر نقل نشده و گفته می‌شود که وی در این کتاب مشهورات میان شیعه را که در مجالس سوگواری بوده، در آن مطرح کرده است.

اما همین سید بن طاوس در «اقبال الاعمال» با اشاره به این که شیخ طوسی در مصباح می‌گوید اسرا روز اربعین از شام به سوی مدینه حرکت کردند و خبر نقل شده در غیر آن که بازگشت آنان را در اربعین به کربلا دانسته‌اند، در هر دو مورد تردید می‌کند. تردید او از این ناحیه است که ابن زیاد مدتی اسراء را در کوفه نگه داشت. با توجه به این مطلب و زمانی که در این نگه داشته صرف شده و زمانی که در مسیر رفت به شام و اقامت یک ماهه در آنجا و بازگشت مورد نیاز است، بعید است که آنان در اربعین به مدینه یا کربلا رسیده باشند. ابن طاوس می‌گوید: این که اجازه بازگشت به کربلا به آنها داده باشد، ممکن است، اما نمی‌توانسته در اربعین باشد. در خبر مربوط به بازگشت آنان به کربلا گفته شده است که همزمان با ورود جابر به کربلا بوده و با او برخورد کرده‌اند. ابن طاوس در این که جابر هم روز اربعین به کربلا رسیده باشد، تردید می‌کند.^۲

این ممکن است که ابن طاوس لهوف را در جوانی و اقبال را در دوران بلوغ فکری تألیف کرده باشد. در عین حال ممکن است دلیل آن این باشد که آن کتاب را برای محافل روضه خوانی و این اثر را به عنوان یک اثر علمی نوشته باشد. دلیلی ندارد که ما تردیدهای او را در آمدن جابر به کربلا در روز اربعین بپذیریم. به نظر می‌رسد منطقی‌ترین چیزی که برای اعتبار اربعین در دست است همین زیارت جابر در نخستین اربعین به عنوان اولین زائر است.

اما درباره اعتبار اربعین به بازگشت اسرا به کربلا توجه به این نکته هم اهمیت دارد که شیخ مفید در کتاب مهم خود در باب زندگی امامان و در بخش خاص به امام حسین علیه السلام از کتاب «ارشاد» در خبر بازگشت اسراء، اصلاً اشاره‌ای به این که اسرا به عراق بازگشتند ندارد. همین طور ابومنخنف راوی مهم شیعه هم اشاره‌ای در

۱. لؤلؤ و مرجان، ص ۱۵۲.

۲. اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۱۰۱.

مقتل الحسین خود به این مطلب ندارد. در منابع کهن تاریخ کربلا هم مانند انساب الاشراف، اخبار الطوال، و طبقات الکبری اثری از این خبر دیده نمی‌شود. روشن است که حذف عمدی آن معنا ندارد؛ زیرا برای چنین حذف و تحریفی، دلیلی وجود ندارد.

خبر زیارت جابر، در کتاب بشاره المصطفی آمده، اما به ملاقات وی با اسرا اشاره نشده است.

مرحوم حاج شیخ عباس قمی هم، به تبع استاد خود نوری، داستان آمدن اسرای کربلا را در اربعین از شام به کربلا نادرست دانسته است.^۱ در دهه‌های اخیر مرحوم محمد ابراهیم آیتی هم در کتاب بررسی تاریخ عاشورا بازگشت اسرا را به کربلا انکار کرده است.^۲ همین‌طور آقای مطهری که متأثر از مرحوم آیتی است. اما این جماعت یک مخالف جدی دارند که شهید قاضی طباطبائی است.

۵. شهید قاضی طباطبائی و اربعین

شهید محراب مرحوم حاج سید محمدعلی قاضی طباطبائی^{رحمه‌الله}، کتاب مفصلی با نام «تحقیق درباره اولین اربعین حضرت سید الشهداء» درباره اربعین نوشت که اخیراً هم به شکل تازه و زیبایی چاپ شده است.

هدف ایشان از نگارش این اثر آن بود تا ثابت کند، آمدن اسرای از شام به کربلا در نخستین اربعین، بعید نیست. این کتاب که ضمن نهصد صفحه چاپ شده، مشتمل بر تحقیقات حاشیه‌ای فراوانی در باره کربلاست که بسیار مفید و جالب است. اما به نظر می‌رسد در اثبات نکته مورد نظر با همه زحمتی که مؤلف محترم کشیده، چندان موفق نبوده است.

ایشان در باره این اشکال که امکان ندارد اسرا ظرف چهل روز از کربلا به کوفه، از آنجا به شام و سپس از شام به کربلا بازگشته باشند، هفده نمونه از مسافرت‌ها و مسیرها و زمان‌هایی که برای این راه در تاریخ آمده را به تفصیل نقل کرده‌اند. در این نمونه‌ها آمده است که مسیر کوفه تا شام و به عکس از یک هفته تا ده دوازده روز طی می‌شده و بنابر این، ممکن است که در یک چهل روز، چنین مسیررفت و برگشتی طی

۱. منتهی الامال، ج ۱، ص ۸۱۷ - ۸۱۸.

۲. بررسی تاریخ عاشورا، صص ۱۴۸ - ۱۴۹.

شده باشد. اگر این سخن بیرونی هم درست باشد که سر امام حسین علیه السلام روز اول صفر وارد دمشق شده، می‌توان اظهار کرد که بیست روز بعد، اسرا می‌توانستند در کربلا باشند.

باید به اجمال گفت: بر فرض که طی این مسیر برای یک کاروان، در چنین زمان کوتاهی، با آن همه زن و بچه ممکن باشد، باید توجه داشت که آیا اصل این خبر در کتاب‌های معتبر تاریخ آمده است یا نه. تا آنجا که می‌دانیم، نقل این خبر در منابع تاریخی، از قرن هفتم به آن سوی تجاوز نمی‌کند. به علاوه، علمای بزرگ شیعه، مانند شیخ مفید و شیخ طوسی، نه تنها به آن اشاره نکرده‌اند، بلکه به عکس آن تصریح کرده و نوشته‌اند: روز اربعین روزی است که حرم امام حسین علیه السلام وارد مدینه شده یا از شام به سوی مدینه خارج شده است.

آنچه می‌ماند این است که نخستین زیارت امام حسین علیه السلام در نخستین اربعین، توسط جابر بن عبدالله انصاری صورت گرفته است و از آن پس ائمه اطهار علیهم السلام که از هر فرصتی برای رواج زیارت امام حسین علیه السلام بهره می‌گرفتند، آن روز را که نخستین زیارت در آن انجام شده، به عنوان روزی که زیارت امام حسین علیه السلام در آن مستحب است، اعلام فرمودند.

متن زیارت اربعین هم از سوی حضرت صادق علیه السلام انشاء شده و با داشتن آن مضامین عالی، شیعیان را از زیارت آن حضرت در این روز برخوردار می‌کند. اهمیت خواندن زیارت اربعین تاجایی است که از علائم شیعه دانسته شده است، درست آن گونه که بلند خواندن بسم الله در نماز و خواندن پنجاه و یک رکعت نماز در شبانه روز در روایات بیشماری، از علائم شیعه بودن عنوان شده است. زیارت اربعین در «مصباح المتهجد» شیخ طوسی و نیز «تهذیب الاحکام» وی به نقل از صفوان بن مهران جمال آمده است. وی گفت که مولایم صادق علیه السلام فرمود: زیارت اربعین که باید وقت برآمدن روز خوانده شود چنین است...^۱ این زیارت، به جهاتی مشابه برخی از زیارات دیگر است، اما از آن روی که مشتمل بر برخی از تعبیر جالب در زمینه هدف امام حسین از این قیام است، دارای اهمیت

۱. مصباح المتهجد، ص ۷۸۸؛ تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۱۳؛ اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۱۰۱، مزار مشهدی، ص ۵۱۴ (تحقیق قیومی)، مزار شهید اول (تحقیق مدرسهٔ الامام المهدی، قم ۱۴۱۰)، ص ۱۸۵ - ۱۸۶.

ویژه می‌باشد. در بخشی از این زیارت در باره هدف امام حسین علیه السلام از این نهضت آمده است:

... و بذل مهجته فیک لیستتقد عبادک من الجهالة و حيرة الضلالة... و قد توازر علیه من غرته الدنيا و باع حظه بالارذل الادنی.

خدایا، امام حسین علیه السلام همه چیزش را برای نجات بندگانت از نابخردی و سرگستگی و ضلالت در راه تو داده در حالی که مشتی فریب خورده که انسانیت خود را به دنیای پست فروخته‌اند بر ضد وی شوریده آن حضرت را به شهادت رساندند.

دو نکته کوتاه

نخست آن که برخی از روایاتی که در باب زیارت امام حسین علیه السلام در کتاب کامل زیارات ابن قولویه آمده، گریه چهل روزه آسمان و زمین و خورشید و ملائکه را بر امام حسین علیه السلام یادآور شده است.^۱

دوم این که ابن طاوس یک اشکال تاریخی هم نسبت به اربعین بودن روز بیستم صفر مطرح کرده و آن این که اگر امام حسین علیه السلام روز دهم محرم به شهادت رسیده باشد، اربعین آن حضرت نوزدهم صفر می‌شود نه بیستم. در پاسخ گفته شده است، به احتمال ماه محرمی که در دهم آن امام حسین علیه السلام به شهادت رسیده، بیست و نه روز بوده است. اگر ماه کامل بوده، باید گفت که روز شهادت را به شمارش نیاورده اند.^۲

۱. اربعین شهید قاضی، ص ۳۸۶.

۲. بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۳۵.